

پرش ها و پانچ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌ها شعی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ تفسیر برخی آیات قرآن
۲. عقاید؛ شناخت آخرت؛ رجعت، حلول و تناسخ

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: عبد الله

تاریخ: ۱۴۰۰/۱/۸

نظر و تفسیر حضرت علامه در مورد سخن موسی و سامری که در آیات ۹۵ و ۹۶ سوره ی مبارکه ی طه آمده، چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۰/۱/۱۴

خداوند در این دو آیه، از گفتگوی موسی علیه السلام با سامری خبر می دهد که در غیبت موسی علیه السلام زیورهای بنی اسرائیل را جمع کرد و برایشان گوساله ای زرین و صدادار ساخت و آنان را به پرستش آن فراخواند، پس می فرماید: ﴿قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ﴾ ^۱ «(موسی) گفت: تو چه کار کردی ای سامری؟ گفت: چیزی را دیدم که آنان ندیدند، پس مشتی از اثر رسول برگرفتم، پس آن را انداختم و این گونه نفسم برایم زینت داد».

میان مفسران درباره ی معنای سخن سامری اختلاف است. بیشتر آنان با توجه به برخی روایات رسیده معتقدند که مراد از «رسول»، جبرئیل علیه السلام بوده است و این بعید نیست؛ چراکه در قرآن، از جبرئیل علیه السلام با این عنوان یاد شده، آنجا که آمده است: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ ^۲ ذی فؤه عند ذی العرش مکین ﴿مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾ ^۳؛ «آن سخن رسولی بزرگوار است که دارای نیروست و نزد صاحب عرش منزلت خاصی دارد و در آنجا فرمانروا و مورد اعتماد است»؛ همچنانکه مراد از «رسول» می تواند فرشته ی دیگری غیر از جبرئیل علیه السلام بوده باشد؛ چراکه در قرآن آمده است: ﴿جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا﴾ ^۴؛ «فرشتگان را رسولانی قرار می دهد» و آمده است: ﴿اللَّهُ

۱. طه / ۹۵ و ۹۶

۲. التکویر / ۲۱-۱۹

۳. فاطر / ۱

يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ؛ «خداوند از فرشتگان رسولانی بر می‌گزیند و از مردم». در این صورت، ظاهر از «اثر» در عبارت **«أَثَرِ الرَّسُولِ»**، جای پای جبرئیل علیه السلام یا فرشته‌ی دیگری غیر از اوست که سامری مدعی بوده آن را دیده و مقداری از آن را برگرفته و در طلای ذوب‌شده انداخته است. البته برخی احتمال داده‌اند که مراد از «رسول»، موسی علیه السلام و مراد از **«أَثَرِ الرَّسُولِ»**، تعالیم او بوده؛ به این معنا که سامری در پاسخ به سؤال موسی علیه السلام درباره‌ی علت کار خود گفته که بخشی از تعالیم او را گرفته و زیر پا افکنده و به همین دلیل، دست به چنین کار پلیدی زده، ولی این احتمال بسیار بعید است؛ چراکه سامری در حال گفتگو با موسی علیه السلام بوده و اگر به تعالیم او اشاره داشته، قاعدتاً باید می‌گفته است: «اثر تو» با صیغه‌ی مخاطب، نه «اثر رسول» با صیغه‌ی غایب؛ همچنانکه تعبیر **«فَقَبِضْتُ قَبْضَةً»**؛ «پس مشتی برگرفتم»، ظاهر در برگرفتن چیزی مادی است، نه برگرفتن چیزی معنوی. از این رو، شکی نیست که تفسیر بیشتر مفسران، با ظاهر آیه سازگارتر است.

اما سؤال اینجاست که برگرفتن از خاکی که جبرئیل علیه السلام یا فرشته‌ای دیگر بر آن پاشیده و انداختن آن در طلای ذوب‌شده، چه اثری بر گوساله‌ی زرّین داشته که سامری از آن یاد کرده است؟ گروهی از مفسران با توجه به برخی روایات معتقدند که آن مانند اکسیری حیات‌بخش بوده که در هر چیزی انداخته می‌شده، آن را زنده می‌کرده و سامری با انداختن آن در طلای ذوب‌شده، در واقع گوساله‌ی زرّین را زنده کرده، ولی این برخلاف ظاهر قرآن است؛ چراکه قرآن، از گوساله‌ی زرّین با عنوان **«جَسَدًا لَهُ خُورًا»**؛ «مجسمه‌ای که صدایی داشت» یاد کرده است و «مجسمه» بر موجود زنده اطلاق نمی‌شود. هر چند عبارت **«لَهُ خُورًا»**؛ «صدایی داشت»، رساننده‌ی این نکته است که آن، مجسمه‌ای عادی نیز نبوده؛ چراکه **«خُورًا»** به معنای بانگ گاو است و این عبارت، آن را متعلق به گوساله‌ی زرّین دانسته است و این نظر گروهی از مفسران را رد می‌کند که با توجه به برخی روایات معتقدند که صدای مذکور، حقیقت نداشته، بلکه صدایی ساختگی و دروغین ناشی از وارد کردن عمدی باد به مجسمه بوده؛ با توجه به آنکه در این صورت، صدای مذکور متعلق به گوساله‌ی زرّین نبوده، بلکه صدای باد بوده و نسبت دادن آن به گوساله‌ی زرّین بدون بیان این نکته، إغراء به جهل است که در قرآن جایی ندارد. چیزی که از ظاهر قرآن دانسته می‌شود این است که گوساله‌ی زرّین، مجسمه‌ای بی‌جان بوده، ولی واقعاً صدایی با منشأ غیر طبیعی داشته است. بنابراین، مراد سامری از سخنش این بوده که صدای مذکور، از مشتی خاک نشأت گرفته که از جای پای جبرئیل علیه السلام یا فرشته‌ای دیگر برگرفته و در طلای ذوب‌شده انداخته است؛ چنانکه گویی سؤال موسی علیه السلام با عبارت **«فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ»**؛ «تو چه کار کردی ای سامری؟»

۱. الحج / ۷۵

۲. طه / ۸۸

شامل این جنبه نیز بوده است که تو چگونه صدای مجسمه را درآوردی و تبعاً سخن سامری درباره‌ی جای پای جبرئیل علیه السلام یا فرشته‌ی دیگر، پاسخ به این بخش از سؤال او بوده است.

اما سؤالی که پاسخ به آن بسیار مهم است این است که به باور سامری، آمیختن خاک پای جبرئیل علیه السلام یا فرشته‌ای دیگر با طلای ذوب‌شده، چگونه می‌توانسته است مجسمه‌ی ساخته‌شده از آن را به خدا تبدیل کند؟! به عبارت دیگر، از نگاه او، چه ارتباطی میان خاک مذکور و الوهیت مجسمه‌ی ساخته‌شده از آن وجود داشته که او توانسته است با القاء و تبلیغ آن، هزاران تن از بنی اسرائیل را از توحید به شرک برگرداند؟! این سؤال بسیار مهمی است که مفسران آن را بی‌پاسخ گذاشته‌اند، ولی علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به آن پاسخ داده و پاسخ او بیانگر این نکته‌ی بدیع است که سامری، از فرقه‌ی مجسمه و حلولیه بوده است؛ یعنی کسانی که معتقد به تجسم خداوند و حلول او در اشیاء هستند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ فِتْنَةِ السَّامِرِيِّ، فَقُلْتُ: مِنْ أَيْنَ جَاءَهُ الْإِغْتِقَادُ بِأَنَّ الْعِجْلَ إِلَهُهُمْ وَإِلَهُ مُوسَى؟! فَقَالَ: كَانَ الرَّجُلُ مُجَسِّمًا حُلُولِيًّا، فَلَمَّا بَصُرَ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ قَالَ: رَأَيْتُ اللَّهَ، وَإِنَّمَا رَأَى مَلَكًا يَقُودُهُمْ، فَلَمَّا قَبِضَ قَبْضَةً مِنْ تُرَابٍ قَدَمِهِ زَعَمَ أَنَّ فِيهَا شَيْئًا مِنْ جَوْهَرِ الْأُلُوهِيَّةِ، فَتَبَذَّهَا فِيمَا أَوْقَدَ عَلَيْهِ مِنَ الدَّهَبِ، فَأَخْرَجَ مِنْهُ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارٌ، فَزَعَمَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ حَلَّ فِيهِ بِحُلُولِ التُّرَابِ فِي الدَّهَبِ، فَقَالَ: هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى، فَنَسِيَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَتَجَسَّمُ وَلَا يَحُلُّ، قُلْتُ: كَيْفَ اغْتَرَّ بِذَلِكَ شُيُوخُ بَنِي إِسْرَائِيلَ؟! قَالَ: إِنَّهُ شَبَّهَهُ عَلَيْهِمْ فَقَالَ: أَلَمْ يَحُلَّ اللَّهُ فِي الشَّجَرَةِ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فَنَادَى مِنْهَا مُوسَى؟! كَذَلِكَ قَدْ حَلَّ فِي الْعِجْلِ فَيُنَادِيكُمْ مِنْهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْكُمْ مُوسَى! فَعِنْدَ ذَلِكَ اغْتَرُّوا فَقَالُوا: «لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى»، وَكَذَّبَ اللَّعِينُ، لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَحُلَّ فِي الشَّجَرَةِ، وَإِنَّمَا خَلَقَ فِيهَا قَوْلًا يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ، وَمَا كَانُوا يَسْمَعُونَ مِنَ الْعِجْلِ إِلَّا خَوَارًا! «أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ صَرًا وَلَا نَفْعًا»؟! قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ جَاءَ الْعِجْلُ الْخَوَارُ؟ قَالَ: خَلَقَهُ اللَّهُ فِيهِ لِيَفْتَنَهُمْ بِهِ، وَهَذَا قَوْلُ هَارُونَ: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ»^۲، ثُمَّ قَالَ الْمَنْصُورُ: لَا يَقُولَنَّ رَجُلٌ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ: عَلِمْتُ مَا لَمْ يَعْلَمْهُ غَيْرِي، فَإِنَّ السَّامِرِيَّ قَالَ: بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ، فَسَاقَ قَوْمُهُ إِلَى الْهَلَاكِ»^۴؛ «از منصور درباره‌ی فتنه‌ی سامری پرسیدم، پس گفتم: او از چه رو اعتقاد یافت که گوساله، خدای آنان و خدای موسی است؟! پس فرمود:

۱. طه / ۹۱

۲. طه / ۸۹

۳. طه / ۹۰

۴. گفتار ۲۰۵



او معتقد به تجسم و حلول بود. پس چون چیزی را دید که آنان ندیدند گفت: خدا را دیدم، در حالی که تنها فرشته‌ای را دیده بود که پیش رویشان حرکت می‌کرد. پس چون مشتی از خاک پای او گرفت پنداشت که چیزی از جوهر الوهیت در آن هست، پس آن را در طلایی انداخت که ذوب کرده بود، پس از آن مجسمه‌ی گوساله‌ای درآورد که بانگی داشت، پس پنداشت که خدا به سبب آمیخته شدن خاک با طلا، در مجسمه حلول کرده است، پس گفت: این خدای شما و خدای موسی است، پس فراموش کرد که خدا تجسم نمی‌یابد و حلول نمی‌کند. گفتم: چگونه شیوخ بنی اسرائیل به آن فریفته شدند؟! فرمود: او آن را برایشان مشتبه ساخت، گفت: آیا خدا در وادی مقدس در درخت حلول نکرد و موسی را از درون آن آواز نداد؟! به همان صورت در گوساله حلول کرده است و شما را از درون آن آواز می‌دهد تا هنگامی که موسی به نزدتان بازگردد! پس آنجا بود که فریفته شدند و گفتند: >همواره بر آن معتکف خواهیم بود تا آن گاه که موسی به نزدمان بازگردد!< در حالی که ملعون دروغ گفت؛ چراکه خدا در درخت حلول نکرد، بل در آن سخنی را آفرید که به سوی حق هدایت می‌کرد و آنان از گوساله جز بانگ گاوی نمی‌شنیدند! >آیا نمی‌دیدند که با آنان سخنی نمی‌گوید و برای آنان سود و زیانی ندارد؟!< گفتم: بانگ از کجا برای گوساله پیدا شد؟! فرمود: خداوند آن را در آن آفرید تا آنان را با آن به فتنه بیندازد و این سخن هارون است که گفت: >ای قوم! جز این نیست که با آن به فتنه افتاده‌اید.< سپس منصور فرمود: زنه‌ار کسی از شما درباره‌ی دین نگویید: چیزی را دانسته‌ام که کسی جز من ندانسته است؛ چراکه سامری گفت: چیزی را دیده‌ام که کسی جز من ندیده است، پس قوم خود را به سوی هلاکت کشاند!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب شاه‌ی خراسانی
مجلس ائمه‌ی مجتهدین



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب شاه‌ی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.